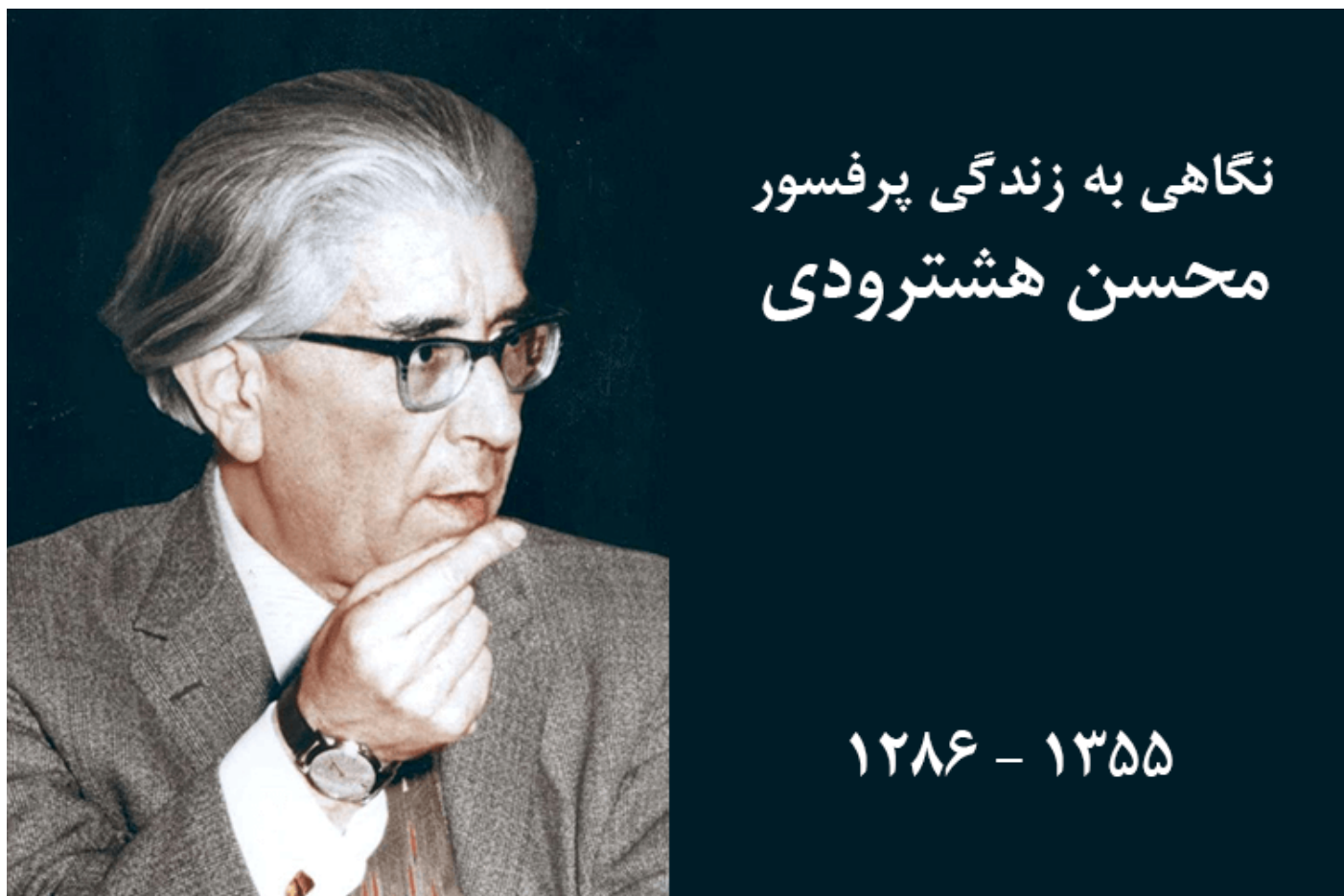


نگاهی به زندگی پرفسور محسن هشترودی



نویسنده مقاله: اسماعیل اصلانی دیرانلو

محسن هشترودی سال ۱۲۸۶ (۱) به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در شهر محل تولد خود گذراند و سپس به دلیل کوچ پدر به تهران، دیپلم خود را در مدرسه دارلفنون به سرانجام رساند.

در سال ۱۳۱۴ لیسانس و در سال ۱۳۱۶ دکترای ریاضی خود را از دانشگاه سوربن دریافت کرد. استاد راهنمای وی الی کارتان از متخصصان بنام هندسه دیفرانسیل بوده است (شجرنامه ریاضی).

ایشان در طول عمر پربار خود خدمات علمی و فرهنگی زیادی به جامعه ایران کرد که شایسته تقدیر بسیار است.

از آنجایی که بعضی از مطالبی که در مورد استاد طی سال‌های پیش در وب فارسی منتشر شده است اکنون به آرشیو اینترنت پیوسته است (سایت www.mo-ha.com)، لازم دیدم جهت ادای دین به پرفسور هشترودی این مطلب را بر روی سایت قرار دهم.

اولین بار که نام محسن هشترودی را شنیدم

دقیق یادم نمی‌آید که نام ایشان را اولین بار کجا دیده، شنیده یا خوانده‌ام. فقط چیزی که این وسط به شکل پررنگی در ذهن من نقش بسته است ویژه‌نامه‌ای است که سال ۱۳۸۳ به دستم رسید و آن را با دقت خواندم. در آن ویژه‌نامه اساتیدی مانند آقای دکتر حقانی (دانشگاه صنعتی اصفهان)، مرحوم دکتر احمد شرف‌الدین (فارغ‌التحصیل از فرانسه و استاد دانشگاه هرمزگان)، پرویز شهریاری و بسیاری دیگر از خاطرات خود در مورد استاد گفته بودند.

این کتاب تأثیر زیادی روی من گذاشت. به طوری که همیشه از شنیدن نام پرفسور هشترودی احساس غرور و افتخار خاصی می‌کنم.

در این مقاله سعی می‌کنم به شکل خلاصه، شمای نسبتاً کاملی از زندگی ایشان ترسیم کنم. امیدوارم این مقاله برای شما مفید باشد.

در چند مورد اعدادی را داخل پرانتز آورده‌ام مانند (۱)، این یعنی اینکه توضیحاتی وجود دارد که در پایان نوشته آن‌ها را ذکر کرده‌ام.

نگاهی به زندگی پرفسور محسن هشترودی

سال‌های اولیه زندگی

شیوه تربیت پدر تأثیر شگرفی بر روی شخصیت محسن هشترودی و برادرانش بر جای گذاشت. پدر ایشان مردی آزادیخواه و از کوشندگان نهضت مشروطه بوده است (۲). او که خود فردی دموکرات‌منش بوده است، فرزندان‌ی دانش‌دوست و فرهنگ‌دوست تربیت کرده است.

محسن هشترودی تحصیلات ابتدایی خود را در مدارس سیروس و اقدسیه شروع می‌کند (۳) ولی به دلیل مهاجرت خانواده به تهران، تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون به پایان می‌رساند.

تحصیلات دانشگاهی

ایشان که در طی سالهای تحصیل در دارالفنون، زبان فرانسه را به صورت خودآموز یادگرفته بود، اقدام به ادامه تحصیل در فرانسه نمود.

محسن هشترودی در سال ۱۳۰۷ به فرانسه اعزام می‌شوند تا پزشکی بخوانند. اما بعد از یکسال آن را رها کرده و به ایران بازمی‌گردند. نقل است ایشان دربرگشت تعداد زیادی کتاب ریاضی با خود به ایران آورده است.

در سال ۱۳۰۸ وارد دارالمعلمین مرکزی (۴) شده و اولین لیسانس خود را در زمینه مهندسی (۵) دریافت می‌کنند. ایشان در سال ۱۳۱۱ با درجه ممتاز و به عنوان شاگرد اول فارغ‌التحصیل شده و به همراه دومین گروه فارغ‌التحصیلان مجدداً به فرانسه اعزام می‌شوند.

در فرانسه از تحصیل مهندسی کناره می‌گیرند و در سال ۱۳۱۲ تحصیل در رشته ریاضی را آغاز می‌کند. بعد از دو سال (۱۳۱۴) دومین لیسانس خود را به پایان می‌رساند.

سپس ایشان دکترای خود را در زمینه هندسه دیفرانسیل و زیر نظر الی کارتان آغاز می‌کند و بعد از دو سال آن را به پایان می‌رساند (سال دفاع از تز دکترا: ۱۳۱۶).

در آن سال‌ها هندسه دیفرانسیل رو به گسترش بود و الی کارتان یکی از هندسه‌دانان به نام آن زمان، خود از پیشروان و صاحب‌سبکان این رشته بود.

عنوان پایان‌نامه پرفسور محسن هشترودی

Les espaces d'éléments à connexion projective normale

بوده است (۶)



ایشان در این پایان‌نامه کارهای استاد خویش را تا حدود زیادی و به شکلی موفقیت آمیز گسترش می‌دهند. (دانلود پایان‌نامه دکتر محسن هشتروودی)

هشتروودی در کارهای پژوهشی خود مفهومی را معرفی می‌کند که امروزه به نام Hachtroudi Connection معروف است. همچنین Hachtroudi curvature از جمله مفاهیمی است که در نتیجه کارهای ایشان به ریاضیات وارد شده است.

بازگشت به وطن

پرفسور هشتروودی به واسطه علاقه وافرش به ایران، بلافاصله بعد از فارغ‌التحصیلی به میهن بازگشت.

ابتدا به عنوان استادیار در دانشکده علوم دانشسرای عالی به کار مشغول شد. در سال ۱۳۲۰ کرسی استادی دانشسرای عالی را دریافت کرد. در سال ۱۳۳۰ به مقام ریاست دانشگاه تبریز رسید، و در سال ۱۳۳۶ به عنوان رئیس دانشکده علوم دانشگاه تهران انتخاب شد.

در سال ۱۳۲۳ با خانم رباب مدیری ازدواج کرد. حاصل این ازدواج سه فرزند به نام‌های فرانک، فریبا و رامین است. [فریبا هشتروودی](#) امروزه یک خبرنگار بین‌المللی است که برای نشریات معتبر زیادی مقاله نوشته است.

ارتباط علمی با مجامع علمی جهان

هرچند که ایشان وارد جامعه‌ای شده بود که از جهت کیفیت و کمیت کارهای پژوهشی و تعدد مراکز تحقیقاتی به هیچ وجه

قابل مقایسه با فرانسه و آمریکا نبود، اما ارتباط خود را با مجامع بین‌المللی حفظ کرد.

توجه داشته باشید که من و شما در عصر ارتباطات و اینترنت زندگی می‌کنیم. هر مقاله پژوهشی در فاصله کمی بعد از انتشار از طریق اینترنت قابل دریافت است و لذا پژوهشگر ریاضی امروز در هر جای جهان که باشد امکان دسترسی به منابع دانش را دارد. اما آن روزها نه ارتباطات جاده‌ای آنچنان گسترده بود و نه اینترنت و موبایلی در کار بود.

در سال ۱۳۲۹ به عنوان نماینده دانشگاه تهران در کنگره بین‌المللی ریاضی دانان هاروارد شرکت کرد.

در موسسه مطالعات پیشرفته دانشگاه پرینستون (IAS) و به درخواست ریاست موسسه پرفسور اوپنهایمر به عضویت پذیرفته شد. یک ترم پاییزی را نیز به تدریس در دانشگاه هاروارد پرداخت ([اکتبر و دسامبر ۱۹۵۱](#)).

پروفسور هشترودی مطرح کننده یوفوها در ایران بود. زمانی که سفینه یوری گاگارین داشت از مسیر منحرف می‌شد، او با محاسبات خود کمک کرد که سفینه به مسیر برگردد. این دانشمند بزرگ بیش از صد مدال جهانی دارد.

برای اطلاع از جدیدترین مقاله‌ها، فیلم‌های آموزشی و همچنین کدهای تخفیف در خبرنامه سایت ثبت نام کنید:

[ثبت نام در خبرنامه](#)

برای دانلود فیلم‌های آموزشی به لینک زیر مراجعه کنید:

[دانلود فیلم‌های آموزشی](#)

کوشش‌های فرهنگی

پروفسور هشترودی مهارت زیادی در بیان اصول و پدیده‌های علمی و فناوری‌های جدید به زبان ساده داشت. با نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود می‌توانست با قشر بزرگی از جامعه ارتباط برقرار کند و مفاهیم اصلی دانش و فناوری را به آنان منتقل نماید. به فلسفه، شعر و موسیقی علاقه زیادی داشت و خود نیز اشعاری سرود.

پروفسور هشترودی از پیشروان تفکر انتقادی در ایران بود. او تأکید زیادی بر اهمیت علوم پایه داشت تا جایی که شاخه‌های دیگر دانش مانند علوم اجتماعی و علوم انسانی را بی‌اهمیت و غیرعلمی می‌خواند. در همین حال فلسفه، هنر و عرفان را مکمل علم می‌دانست. وی اعتقاد داشت که «علم» تنها نوع ارزشمند دانش، «هنر» نگاهی ظریف به زندگی، و «فلسفه» غایت معرفت‌شناسی است، و هیچ یک بدون نوآوری و اصالت ارزشی ندارند.

در این جا لازم می‌دانم توضیحی را اضافه کنم. از قدیم گفته‌اند «عیب می‌جمله بگفتی، هنرش نیز بگویی». در جواب به این مصراع که تبدیل به ضرب‌المثل شده است می‌شود گاهی هم گفت: «خوبی‌های زیادی برای گل برشمردی، خارش را هم در نظر بگیر». یکی از معایب ذهن ایرانی همین توجه به عرفان و شاعرانگی و جایگزین کردن آن با علوم انسانی و علوم اجتماعی است.

وقتی امیرکبیر اولین گروه از دانشجویان ایرانی را به غرب (بلژیک) می‌فرستد، رشته‌های هدف چیزهایی مانند مهندسی،

صنایع نظامی و مشابه آن بوده است. اما هیچ‌گاه کسی فکر نکرد که اگر در علم مدیریت، اقتصاد و جامعه‌شناسی نخبگانی داشته باشیم شاید بتوانیم از مهندسان خود بهتر بهره‌مند شویم. این انتقاد را باید به استاد وارد دانست که هر چند شعر و هنر هر دو از تجلیات قدرت خلاقهٔ بشر هستند و به زندگی انسان معنای عمیق‌تری می‌بخشند، اما قرار نیست هنر و عرفان و شعر جای علوم انسانی را بگیرند.

محسن هشترودی در دهه ۱۳۴۰ اقدام به چاپ مجلهٔ «کتاب هفته کیهان» کرد، خود سمت رییس تحریریه را عهده‌دار شد و احمد شاملو را به عنوان سردبیر مجله معرفی نمود.

همچنین برای انتشار اطلاعات علمی در خصوص پیشرفت‌های علمی و خصوصاً فضانوردی و پیشرفت‌های آن، مجلهٔ فضا را منتشر کرد.

در کل، او با مجلات زیادی همکاری داشت. در کارنامهٔ او می‌توان مصاحبت و همکاری با کسانی در ردیف احمد شاملو، منوچهر آتشی، صادق هدایت، پرویز ناتل خانلری نیما یوشیج، فروغ فرخزاد و امیرحسن آریان‌پور را دید.

در طول شبانه‌روز سه تا چهار ساعت می‌خوابید و بقیهٔ وقتش را صرف مطالعه و کارهای اجتماعی و فرهنگی می‌کرد.

درخواست مصاحبه را می‌پذیرفت و با حوصله به سؤالات پاسخ می‌داد. اسماعیل جمشیدی در شمارهٔ ۸۲ مجلهٔ بخارا خاطرات خود از مصاحبه‌هایی که برای مجلهٔ اطلاعات هفتگی انجام می‌داد را بازگو کرده است. توصیه می‌کنم حتماً آن را بخوانید.

بیشتر پول و وقتش را صرف مطالعه می‌کرد. مطالعه او هیچ‌گاه به یک زمینه خاص محدود نمی‌شد. علاوه بر ریاضی در ادبیات و بسیاری زمینه‌های دیگر نیز مطالعه داشت

نقل است هشرودی در هنگام ازدواج هیچ ثروتی جز کتاب نداشت و زندگی ساده او همین طور ادامه یافت. پس از مدتی حدود شش هزار تومان پول به دست آورد و آن مبلغ را به همسرش داد و به او گفت:

چون زمان عروسی هیچ برایت نخریدم اکنون که گشایشی دست داده برو و انگشتی یا چیز دیگر برای خود تهیه کن.

اما همسر فداکارش آن پول را نگه داشت و با فروختن فرش و یک سری اسباب دیگر خانه‌ای با آن پول خریداری نمود.

همچنین نقل است روزی در حین تدریس، هشرودی متوجه کفش‌های کهنه دانشجویی شد و نتوانست به درس ادامه دهد. کلاس را ترک کرد و سپس آن دانشجو را خواست و چون از تهیدستی او آگاه شد، از حقوق خود برای او مستمری در نظر گرفت.



هشترودی در گفته‌های دیگران

پرویز شهریاری

پرویز شهریاری دربارهٔ محسن هشترودی گفته است:

«دو خصلت اساسی، هشترودی را از دیگران ممتاز می‌کرد: واقع‌بینی و بی‌پروایی؛ و به همین خاطر بود که همیشه انسانی فکر می‌کرد و هرگز از بیان اندیشهٔ خود بیم نداشت. او در سالهای آخر عمر در گفتگویی با کیهان به سختی به سوءاستفاده‌ای که از دانش امروز می‌شود حمله کرد و گفت:

پیشرفت دانش و تکنیک به ضرر انسان است، به هنر و سعادت انسان صدمه می‌زند... اگر من اختیار و قدرت داشتم درِ موسسات علمی را می‌بستم و پژوهش علمی را متوقف می‌کردم و بشر را از زیان خسران و بدبختی که اکنون گریبانگیرش است نجات می‌دادم. بشر را به ظلمت مغازه‌ای می‌بردم تا برای گرم کردن خود هیزم روشن کند و نیازی به رادیوم و اورانیوم نداشته باشد تا برای دستیابی به آن بازار درست کند و جنگ به راه بیندازد. این به من اسلحه بفروشد، آن به تو. این خیانت به اخلاق انسانی است. این دانش و تکنیک نیست. پیشرفت دانش و تکنیک در شرایطی که انسان‌ها از چیستی خود نمی‌دانند و تفکر هنوز به مرحلهٔ رشد دانش علمی نرسیده است. پیشرفت دانش همچون زهری شیرین برای انسان است. در تمامی تاریخ دانش، والاترین نمایندگان فرهنگ انسانی در برابر درد و اندوه جامعهٔ انسان بی‌تفاوت نبوده‌اند، چرا که دشمنان انسانیت دشمن دانش هم بوده‌اند و به همین مناسبت است که دانشمندی چون انیشتین، راسل، سارتر، زاخاروف و دیگران جدا از فعالیت‌های علمی خود و حتی بیش از آن، در جستجوی راهی برای کم کردن دردهای آدمیان برخاستند...»

«...و محسن هشترودی دانشمندی از این قبیل بود. او می‌اندیشید و همیشه و در تمام عمر خود می‌اندیشید و به همین مناسبت انسان بود و مثل هر انسان اندیشه‌مندی بی‌پروا. او از جنگ و دشمنی میان انسان‌ها نفرت داشت و انسان بودن را بر دانشمند بودن مقدم می‌داشت و حرف و اعتقاد خود را بی‌پروا می‌گفت؛ بی‌پروا از اینکه با دیگر حرفها متفاوت است و بی‌پروا از این که ممکن است به کسی بر بخورد. او انسانی دانشمند یا بهتر بگوییم دانشمندی انسان بود.»

نخستین بار که استاد را شناختم در دانشگاه تهران بود که به عنوان دانشجو در کلاس درس او حاضر شده بودم. وقتی که از کلاس بیرون آمدم، به واقع دگرگون شده بودم. پس به این ترتیب هم می‌شود درس داد، پس می‌توان معلم ریاضی بود ولی روح و ذهن دانشجو را چنان افسون کرد که او در برابر شرف انسانی و دانش عام و همه جانبه استاد، از طرفی، خود را کوچک احساس کند و از طرفی دیگر، پُر از شوق و امید شود. درس استاد درس انسانیت و درست اندیشیدن بود و آدمی را در دنیایی از شوق و شگفتی فرو می‌برد.

به راحتی و بی‌پروا حرف می‌زد و بدون اینکه برای هر مجلسی شأن جداگانه‌ای قایل باشد، آنچه در دل داشت بیرون می‌ریخت و هرگز فراموش نمی‌کنم لحظاتی را که در پایان نخستین کنفرانس معلمان ریاضی که در دانشگاه پهلوی شیراز تشکیل شده بود، نیم ساعتی صحبت یا دقیقتر بگوییم درددل می‌کرد و تقریباً همه همراه او می‌گریستند.»

هشترودی فردی به تمام معنی، دانش دوست و دانش پرور بود. هر کسی را که به هر ترتیب، در ترویج علم قصد کوشش داشت، تشویق و راهنمایی می‌کرد و از هر کمکی به او مضایفه نمی‌کرد. رفتارش با دیگران بزرگ‌منشانه و همراه با فروتنی بود. اهل کرنش و تعظیم به صاحبان زر و زور نبود. در برابر اینان سرافراز می‌ایستاد و اگر حرکتی، نشانه کوچک‌ترین بی‌احترامی را از آنان می‌دید، واکنش نشان می‌داد.

احمد شرف‌الدین

وقتی هشترودی پس از تحصیلات عالی خود در ریاضیات و شاگردی «الی کارتان» به ایران بازگشت، علاقه‌اش به ادبیات فارسی و فلسفه بیشتر شد و همیشه به مطالعه می‌پرداخت. ۲ دفعه از او دعوت شد که برای تدریس در دانشگاه‌های پاریس و دانشگاه پرینستون به این کشورها برود اما او به علت علاقه شدیدی که به فرهنگ ایران داشت، ترجیح داد در ایران بماند و این دعوت را رد کرد. بدون شک، هنگامی که او دعوت‌نامه را خوانده است، ادبیات ایران را مخاطب قرار داده و می‌گفت:

گر بر کنم دل از تو و برگیرم از تو مهر / این مهر بر که افکنم این دل
کجا برم؟

تالیفات

۱. جهان اندیشه و هنر
۲. دانش و هنر
۳. نظریه اعداد
۴. سایه‌ها (مجموعه شعر)
۵. سیر اندیشه بشر
۶. از مکانیک کلاسیک تا مکانیک کوانتیک

7. Les connexions normales affines et weyliennes
8. Sur les espaces de rimann de weyl et de schouten

گفته‌ها

علم، تلاش برای کشف و بررسی چیزی است که هست، یعنی طبیعت و خویشتن و تاریخ آن تاریخ اسارت، مذلت، رنج و بدبختی بشر است برای اندیشه‌ای صحیح. داستان اسارت فکر آزاد، افسانه‌ای است که از پیدایش بشر همیشه تکرار گشته و می‌گردد و هرگز مکرر نیست.

اگر با بزرگداشت گذشتگان، می‌خواهیم کاری کنیم که جوانان امروز به استخوان‌های پوسیدهٔ آباء واجدادشان ببالند؛ سخت خطاکاریم، واگر بانجام این کار می‌خواهیم امروزیان را تحقیر کنیم و به آنان بفهمانیم که نتوانسته‌اند مثل پدرانشان در زمینه‌های گوناگون علمی و ادبی و هنری بشکفند؛ در اشتباهیم. اما اگر می‌خواهیم از این راه، آنان را برانگیزیم تا راه آن بزرگان را در پیش گیرند؛ راهمان درست است و باید آنرا دنبال کنیم

بر سر هر کوچه باید کتابخانه‌ای باشد و فراخور محل کتاب‌های مقدماتی همهٔ علوم و هنرها را در آن گرد آورند. جوانان را باید به کتابخانه و مراکز فرهنگی کشاند، تنها از این راه است که دانشمندان و هنرمندان بسیاری از جامعه سر بر خواهند آورد و ایران جایگاه شایسته و دیرین خود را در دنیای علم به دست خواهد آورد.

استعداد جوانان ما مانند استعداد دیگر جوانان دنیاست، اساساً این سؤال در هر مکان و زمان همین جواب را دارد، استعداد امری نفسانی است که با امکانات محیط و شرایط مکانی و زمانی متوافق و هم‌عنان است.

سالشمار زندگی محسن هشترودی

۱۲۸۶

– تولد

۱۲۹۹

– شروع به آموزش زبان فرانسه در سن ۱۳ سالگی.

۱۳۰۰

– ادامه تحصیل در مدرسه دارالفنون از کلاس هشتم به بعد.

۱۳۰۴

– اتمام دوره دبیرستان در دارالفنون.

۱۳۰۷

– اعزام به اروپا برای تحصیل در رشته پزشکی از طرف وزارت فوائد عامه.

۱۳۰۸

– انصراف از تحصیل در رشته پزشکی و بازگشت به ایران.

– ورود به دارالمعلمین مرکزی. (دارالمعلمین مرکزی بعدها دانشسرای عالی و سپس دانشگاه تربیت معلم نامیده شد.)

۱۳۱۱

– فارغ التحصیلی از دانشسرای عالی با درجه ممتاز و به عنوان شاگرد اول.

– عزیمت به کشور فرانسه به همراه دومین گروه فارغ التحصیلان.

- کسب امتیاز اول در امتحانات آنالیز عالی در پاریس.
- اخذ دومین لیسانس خود در رشته ریاضی از دانشگاه سوربن در مدت زمان ۲ سال.

- راهنمایی و تصویب رسالهٔ دکترای توسط ریاضیدان نامدار الی کارتان

- آغاز تدریس ریاضیات، هندسه، حساب و آنالیز در دانشکدهٔ ادبیات، علوم و دانشسرای عالی.

- اخذ رتبهٔ استادی تمام در دانشسرای عالی.

- اخذ کرسی مکانیک تحلیلی گروه آموزشی ریاضی دانشگاه تهران.

- پذیرش ریاست ادارهٔ تعلیمات متوسطه ادارهٔ فرهنگ تهران.
- دریافت امتیاز هفته‌نامهٔ «نامه کانون ایران» از شورای عالی فرهنگ.

- حضور فعال در اعتراض و اعتصاب استادان و دانشجویان دانشگاه تهران برای استقلال دانشگاه از وزارت معارفه.

- ازدواج با خانم «رباب مدیری»
- انتشار رساله تحت عنوان مسأله ملیت.

- راه‌اندازی و هدایت مجمع فلسفی با عضویت اشخاصی چون امیر حسین آریان پور، ابوالحسن فروغی، حسینعلی راشد و ...

- پذیرش استادی راهنمای رساله دکتری الکساندر سمباد آبیان با عنوان هندسه ترسیمی در فضای چهار بعدی.
- انتشار رساله علمی در باب التصاقهای ناهنجار به زبان فرانسه.

- حضور در کنگره بین‌المللی ریاضی دانان هاروارد به عنوان نماینده دانشگاه تهران.
- عضویت در موسسه مطالعات پیشرفته دانشگاه پرینستون آمریکا به درخواست ریاست دانشگاه پرفسور اوپنهاইمر.
- تدریس در ترم پاییزه دانشگاه هاروارد.
- انجام مصاحبت و گفتگوهای پی‌درپی با انشتین در این ایام.

- بازگشت به ایران و قبولی مسئولیت ریاست دانشگاه تبریز به مدت یک سال.

— حضور در کنگره بین‌المللی ریاضی دانان آمستردام به عنوان نماینده دانشگاه تهران.

— چاپ مجموعه اشعار خود تحت عنوان «سایه‌ها»

— ایراد سخنرانی در کنگره طوسی در دانشگاه تهران.

— میزبانی چند روزه از ریاضی‌دان برجسته مقیم آمریکا (زاریسکی) در منزل خود.

— حضور در کنگره بین‌المللی ریاضی دانان لاتین‌زبان در شهر نیس فرانسه.

— انتخاب به ریاست دانشکده علوم برای یک دوره ۳ ساله از طرف شورای استادان دانشکده.

— عدم پذیرش پیشنهاد رییس موسسه تحقیقاتی (کالج دو فرانس) مبنی بر همکاری.

— سخنرانی در باب تجسم و تصویر به دعوت بدیع‌الزمان فروزانفر نایب رییس انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی دانشکده معقول و منقول.

— ایراد سخنرانی در کنگره آزادی و فرهنگ تحت عنوان «تاثیر علوم در ادبیات و هنر»

— چاپ متن سخنرانی استاد در کتاب سفینه غزل و تجدید چاپ‌های متعدد.

– تلاش بسیار و مستمر برای تصویب تبصره الحاقی به قانون استخدام مهندسان و فارغ التحصیلان رشته‌های علوم.

– ارائه طرح و پیشنهاد تاسیس کانون فارغ التحصیلان دانشکده علوم.

– هدایت سازمان صنفی دانشجویان و عهده‌داری مسئولیت آن به مدت ۳ سال.

۱۳۳۷

– حضور در کنگره بین‌المللی ریاضی دانان در شهر ادینبورگ انگلستان و گفتگو با بزرگان مثل برتراند راسل.

۱۳۳۸

– عضویت در انجمن اتحادیه بین‌المللی فضا به پیشنهاد رئیس انجمن.

– راه‌اندازی دوره فوق‌لیسانس ریاضی در ایران.

۱۳۴۰

– قبول عهده‌داری ریاست هیات تحریریه نشریه فرهنگی، علمی و هنری کتاب هفته با همکاری منوچهر آتشی و احمد شاملو.

– چاپ مجموعه مقالات در زمینه‌های ادبی و مباحث کلی علمی تحت عنوان «دانش و هنر».

۱۳۴۳

– حضور در کنگره بین‌المللی هندسه در صوفیه.

۱۳۴۷

— ارائه پیشنهاد تشکیل انجمن ریاضی و انجمن معلمان ریاضی.

۱۳۴۸

— بازنشستگی پس از ۳۱ سال استادی تمام وقت از دانشکده علوم بنا به پیشنهاد و تقاضای خودش.

— قبولی پیشنهاد ریاست کانون فضایی ایران.

— انتصاب به عنوان ریاست هیات امناء و شورای نویسندگان مجله فضا.

۱۳۴۹

— حضور در اولین کنفرانس ریاضی کشور.

— اخذ لوح استاد ممتازی دانشگاه تهران.

— عضویت در هیات امناء مدرسه عالی علوم اداری و بازرگانی قزوین وابسته به وزارت علوم و آموزش عالی به مدت ۳ سال.

۱۳۵۰

— حضور در دومین کنفرانس ریاضی کشور.

۱۳۵۱

— حضور در سومین کنفرانس ریاضی کشور.

— ایراد سخنرانی در کنگره تحقیقات ایرانی در دانشگاه تهران.

– در گذشت نابهنگام دختر بزرگش در فرانسه.

– اعزام همسرش به آلمان برای درمان.

– افزایش تألمات روحی و جسمی ناشی از بیماری همسر و فوت فرزند.

– بر اثر ایست قلبی در ۱۳ شهریور ماه جان به جان آفرین تسلیم و در ۱۷ شهریور از مسجد دانشگاه تهران تا بهشت زهرا تشییع و این چنین جاودانه شد.

اختلاف نظرهای مهم

۱

مطابق آنچه در ویکی‌پدیا فارسی می‌خوانیم و ی در شهر هشتروود به دنیا آمده است در حالی که سایت اینترنتی mo-ha.com که به نظر می‌رسد وابسته به بنیاد محسن هشتروودی است نام شهر محل تولد استاد را تبریز ذکر کرده است.

۲

پدر او آیت‌الله اسماعیل هشتروودی از علمای به نام آن زمان، فردی آزادیخواه و از همراهان اصلی نهضت مشروطه بود. دوباره ویکی‌پدیا پدر را هم‌رزم و مشاور شیخ محمد خیابانی ذکر کرده است ولی در سایت mo-ha.com می‌خوانیم که وی در رکاب ستارخان برای آزادی و احقاق حقوق ملت می‌کوشیده است.

۳

در هیچ متنی مشخص نشده کدام مدرسه را ابتدا شروع کرده. آیا «سیروس و اقدسیه» یک مدرسه است یا «سیروس» و «اقدسیه» دو نام متفاوت

هستند. دیگر اینکه مشخص نشده است که کدام مدرسه کدام مقطع تحصیلی را پوشش می‌داده است. مثلاً مانند سالهای دهه ۶۰ و ۷۰ دبستان و مدرسه راهنمایی قبل از دبیرستان گذرانده می‌شده است یا اینکه نظام آموزشی آن روزگار به نحو دیگری بوده است!

۴

توضیح دیگر اینکه لازم است خواننده بداند که درالمعلمین مرکزی بعدها به دانشسرای عالی تغییر نام داد.

۵

توضیح اول اینکه برای من مشخص نشد که ایشان در چه رشته مهندسی تحصیل کرده است. همه جا فقط گفته شده مهندسی!

۶

همچنین مطلبی هم هست که در مورد همه جوانب زندگی ما ایرانیان درست و باید در اینجا به آن اشاره کنم. آن هم اینکه یک استاندارد واحد بر املاي انگلیسی کلمات فارسی حاکم نیست. در بعضی منابع انگلیسی زبان نام ایشان Mohsen Hachtroudi و در بعضی دیگر Mohsen Hashtroodi ذکر شده است.

برای اطلاع از جدیدترین مقاله‌ها، فیلم‌های آموزشی و همچنین کدهای تخفیف در خبرنامه سایت ثبت نام کنید:

[ثبت نام در خبرنامه](#)

برای دانلود فیلم‌های آموزشی به لینک زیر مراجعه کنید:

[دانلود فیلم‌های آموزشی](#)